

## دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۲۴، تمثیل‌هایی درباره گمشدگان و جشن، لوقا ۱۵

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر دانیل کی. دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۲۴، تمثیل‌های گمشدگان و جشن، لوقا ۱۵ است.

به مجموعه سخنرانی‌های آموزش الکترونیکی کتاب مقدس خوش آمدید.

در سخنرانی قبلی، عیسی را در هنگام صرف غذا در خانه حاکم فریسیان دیدیم. چند نکته در مورد عیسی وجود داشت که به موضوع احترام به جایی و تلاش برای نشستن در صندلی پایین‌تر اشاره می‌کرد تا بتوانید مورد احترام قرار بگیرید یا به جایگاه بالاتری ارتقا یابید، و سپس دیدیم که چگونه عیسی قبل از اینکه آنها را در مورد هزینه شاگردی به چالش بکشد، در مورد یک مَثَل ضیافت صحبت خواهد کرد. اگر به خوبی به یاد داشته باشید، او در بحثی با فریسیان و حقوقدانان اشاره کرد که مهم است که دعوت از افراد معلول، لنگ، نابینا و فقیر را به میز شام در نظر بگیرید، و سپس در مَثَل ضیافت، او بر این نکته تأکید کرد و سپس می‌دانست که آنها از این موضوع بسیار ناراحت هستند که او در ادامه به هزینه شاگردی اشاره می‌کند. هزینه‌ای که ممکن است شامل روابط اجتماعی با مردم و نگرش نسبت به دارایی‌های مادی باشد. در اینجا لوقا ۱۵، می‌بینیم که عیسی کار دیگری انجام می‌دهد و با زمان غذا شروع می‌کند.

در این مرحله، منتقدانش از او سوال خواهند کرد که چرا باید با افرادی که نمی‌خواهد شام بخورد. آنها فکر نمی‌کنند که او باید با آنها شام بخورد. ما این تمثیل‌ها را به عنوان تمثیل‌های گمشده می‌شناسیم، و محبوب‌ترین آنها که برخی از شما به آن اشاره کرده‌اید، تمثیل پسر ولگرد است. من سعی می‌کنم شما را متقاعد کنم که شاید باید آن را چیز دیگری بنامیم، اما این سه تمثیل که در لوقا ۱۵ آمده‌اند، همگی به شیوه‌ای بسیار سازمان‌یافته و به معنای واقعی کلمه، به خوبی ساخته و پرداخته شده‌اند تا یک استدلال بسیار مهم را که عیسی می‌خواهد به منتقدانش ارائه دهد، بیان کنند.

از آیات ۱ تا ۷، مَثَل گوسفند گمشده را خواهیم دید، و عیسی در ادامه مَثَل سکه گمشده را بیان می‌کند، و سپس در مورد مَثَل پسران گمشده صحبت خواهد کرد. چارچوب این مَثَل چیست؟ اجازه دهید قبل از اینکه کمی دقیق‌تر به متن نگاه کنیم، چهار نکته سریع به شما ارائه دهم. ابتدا، به علت هر سه مَثَل نگاه می‌کنید و به فقدان، بهبودی و جشن می‌پردازید.

دوم، به چیدمان نگاه کنید. ما الگو و تأثیر اقلیمی نحوه استفاده عیسی از این الگوی صد و ده و دو را مشاهده خواهیم کرد. او با عدد بالاتر شروع می‌کند، با ده ادامه می‌دهد، و سپس با دو ادامه می‌دهد، و سپس جمله اصلی خود را، یک جمله اصلی بزرگ، خلق می‌کند. سه نفر متوجه غرغر می‌شوند، همانطور که به طولانی‌ترین فصل نگاه می‌کنیم، همانطور که به دو آیه اول لوقا ۱۵ مربوط می‌شود. فریسیان را در فصل ۱۵ آیات ۱ و ۲ خواهید دید، و سپس وقتی به فصل ۱۵، آیات ۲۹ تا ۳۰ می‌رسیم، برادر بزرگتر یک برادر گمشده را خواهیم دید که غر می‌زند.

نکته دیگری که ممکن است بخواهید در این گفتمان مشاهده کنید این است که چگونه شادی و جشن تقریباً پراکنده می‌شود و همچنین دلیلی برای این آرزو که گله و شکایت نباید در صحنه باشد، ارائه می‌دهد. محور همه این سؤالات برای گله و شکایت این است که چرا عیسی باید با گناهکاران و باجگیران جشن بگیرد. من همچنین شما را راهنمایی می‌کنم و به شما یادآوری می‌کنم که لوقا نه تنها به خاطر پیام اصلی، بلکه

به خاطر استفاده از شخصیت‌های موجود در این تمثیل‌ها برای انتقال پیامی قوی به ما، به سرعت این تمثیل‌ها را به ما نشان می‌دهد.

او از چوپانان، از یک زن و از پسری استفاده خواهد کرد که افرادی مانند فریسیان و کاتبان دوست ندارند بشنوند، اما می‌توانند در حضور ربی مانند عیسی منشأ داشته باشند. پس بیایید به لوقا ۱۵، آیه ۱ برگردیم و اکنون از آیات ۱ تا ۶ بخوانیم. حال، باجگیران و گناهکاران همگی برای شنیدن سخنان او نزدیک می‌شدند و فریسیان و کاتبان غرغر کردند و گفتند که این مرد گناهکاران را می‌پذیرد و با آنها غذا می‌خورد. توجه داشته باشید که در آیه ۲، این مرد گناهکاران را می‌پذیرد و با آنها غذا می‌خورد.

این سه سری مثل را با آیه ۳ ادامه دهد. بنابراین او این مثل را برایشان گفت: چه کسی از شما که صد گوسفند دارد و یکی از آنها را گم کرده است، ۹۹ گوسفند را در صحرا رها نمی‌کند و به دنبال آن گمشده نمی‌رود تا آن را پیدا کند و وقتی آن را پیدا کرد، آن را با شادی بر دوش خود می‌گذارد و وقتی به خانه می‌آید، دوستانش را جمع می‌کند و هرگز به آنها نمی‌گوید که با من شادی کنید زیرا گوسفند گمشده‌ام را پیدا کرده‌ام. به نکته اصلی در آیه ۷ توجه کنید. همین‌طور به شما می‌گویم، در آسمان برای یک گناهکار که توبه می‌کند، شادی بیشتری وجود خواهد داشت تا برای ۹۹ عادل که نیازی به توبه ندارند. سوالی که عیسی در این مثل به دنبال پاسخ آن است، نباید در پس‌زمینه فراموش شود و سوال این است که این مرد گناهکاران را می‌پذیرد و با آنها غذا می‌خورد. چرا باید این کار را انجام دهد؟ این سوالی است که از فریسیان و کاتبان می‌آید.

در این تمثیل گوسفند گمشده، لطفاً توجه داشته باشید که عیسی از یک چوپان استفاده می‌کند. قرار است چوپان مورد تحقیر قرار گیرد، چوپانی که جامعه به آن احترام زیادی نمی‌گذارد، اما عیسی در این تمثیل جایگاه چوپان را ارتقا می‌دهد تا نشان دهد که در پادشاهی خدا، مشاغلی که در جامعه مورد استقبال یا احترام خوبی قرار نمی‌گیرند، همچنان در پادشاهی برجسته می‌شوند یا مورد استقبال قرار می‌گیرند، بنابراین چوپان در اینجا به یک شخصیت کلیدی تبدیل می‌شود و سپس بیایید به آنچه برای چوپان اتفاق می‌افتد پردازیم. چوپان یک گوسفند را گم می‌کند و با خود می‌گوید که باید بروم و آن گوسفند گمشده را پیدا کنم.

کاری که عیسی در اینجا انجام می‌دهد قابل توجه است. او از یک چوپان، یک شغل منفور، به عنوان نمونه‌ای برای فریسیان و کاتبان استفاده می‌کند تا پیام‌زنند که در پادشاهی خدا چه چیزی مهم است. او گفت که چوپان یک گوسفند را گم کرد و ۹۹ گوسفند دیگر را رها کرد تا به دنبال گوسفند گمشده بگردد. حال، اجازه دهید چند نکته را در اینجا روشن کنم.

، برخی معتقدند که شاید چوپان ۹۹ نفر را بدون توجه به آنچه برایشان اتفاق می‌افتد، رها کرده است. نه، اینجا اینطور نیست. در فرهنگ باستانی خاورمیانه، چوپانان به صورت گروهی می‌روند.

پدر ممکن است با پسرانش برود و آنها از گله مراقبت خواهند کرد. این واقعیت که خود چوپان اصلی می‌رود و به دنبال چوپان گمشده می‌گردد، موضوع اصلی در اینجا است. این به معنای رها کردن ۹۹ چوپان بی‌تفاوت نسبت به سرنوشتشان نیست.

نه، آن ۹۹ نفر توسط چوپانان دیگر، شاید فرزندان چوپان، مراقبت خواهند شد، اما این واقعیت که چوپان وقت می‌گذارد و فکر می‌کند که آن یک گوسفند گمشده شایسته توجه اوست، تلاش او برای رفتن و جستجو کردن، مسئله است، عیسی به اینجا می‌رسد. وقتی چوپان گوسفند را پیدا می‌کند، به ما گفته می‌شود که آن گوسفند را می‌گیرد و روی شانهاش می‌گذارد. چه صحنه پیروزمندانه‌ای که در آن چوپان این گوسفند را آنقدر مهم و گرانبها می‌داند که گوسفند را پیدا می‌کند، گوسفند را می‌گیرد و روی شانهاش می‌گذارد.

می‌دانید، ما چیزهای زیادی در مورد این فرهنگ یاد می‌گیریم، زیرا همانطور که اسنودگراس در کتاب خود در مورد تمثیل‌ها می‌نویسد، به ما گفته شده است که یک گوسفند گمشده معمولاً دراز می‌کشد و تسلیم می‌شود و راه بازگشت را پیدا نمی‌کند. به عبارت دیگر، در این تمثیل، مخاطبان دانش عیسی کاملاً آگاه هستند که وقتی گوسفندی گم می‌شود، گوسفند در انتظار پیدا شدن می‌ماند، اما این حیوان احمق هنوز برای چوپان آنقدر مهم است که یک چوپان این کار را می‌کند و وقتی چوپان آن را پیدا می‌کند، چوپان ناراحت نمی‌شود و دلیلی برای جشن گرفتن پیدا می‌کند. بنابراین، سوال این است که چرا شما وقت خود را با گناهکاران و باجگیران می‌گذرانید؟ اوه، در واقع، عیسی می‌گوید، مانند آن گوسفند گمشده وقتی گوسفند پیدا شد، چرا نباید دوستان و اقوام را صدا بزنیم تا جشن بگیریم که این گوسفند گمشده اکنون پیدا شده است؟ چرا نباید این واقعیت را جشن بگیریم که گناهکاران و باجگیران پیدا شده‌اند و ارزش غذا خوردن با آنها را دارد؟ به یاد داشته باشید، در فصل قبل، او تمثیل ضیافت را به آنها داد.

آنها باید درک کنند که در پادشاهی خدا جایی است که افراد عادی می‌توانند جای خود را پیدا کنند، و اگر مسئله این است که آیا باجگیران و گناهکاران می‌توانند جای خود را در غذا خوردن با او پیدا کنند و فریسیان و کاتبان می‌توانند با این موضوع مشکل داشته باشند، باید روحیه چوپان را در نظر بگیرند وقتی که آن گوسفند گمشده را پیدا کرد. اوه، دلیلی برای شادی وجود دارد، اما فریسیان و کاتبان چه می‌کردند؟ چرا آنها از شادی با آنها خوشحال نیستند؟ عیسی در ادامه مثل دیگری می‌گوید. در این مثل، او به شخصیت دیگری روی می‌آورد، شخصیت دیگری که فریسیان نباید از دانستن آن خوشحال باشند.

او از یک زن به عنوان شخصیت اصلی در این تمثیل استفاده می‌کند. اگر به یاد داشته باشید، در روایت لوقا، لوقا در جایی از فصل ۱۰ در مورد تمثیل سامری نیکوکار، از یک سامری برای تأکید بر موضوع استفاده می‌کند. در اینجا می‌بینیم که عیسی دوباره با استفاده از یک چوپان و سپس یک زن، به سراغ فریسیان می‌رود و من آن را می‌خوانم.

آه، کدام زنی است که ده سکه نقره داشته باشد و اگر یک سکه را گم کند، چراغی روشن نمی‌کند و خانه را جارو نمی‌کند و با دقت جستجو نمی‌کند تا آن را پیدا کند و وقتی آن را پیدا کرد، دوستان و همسایگان خود را صدا می‌زند و می‌گوید با من شادی کنید زیرا سکه‌ای را که گم کرده بودم، پیدا کردم. به نکته اصلی در آیه توجه کنید. تا به شما بگویم که فرشتگان خدا برای یک گناهکار که توبه می‌کند، شادی می‌کنند. ۱۰

در اینجا، عیسی سرخی را آشکار می‌کند. او از زن، احتمالاً زنی که مقداری از جهیزیه خود را از دست داده است، استفاده می‌کند که مصرانه به دنبال یافتن آن می‌گردد و برای جشن گرفتن به اطراف زنگ می‌زند، اما به نکته اصلی در اینجا توجه کنید که عیسی چگونه آن را بیان می‌کند. به شما می‌گویم که او می‌گوید برای یک گناهکار که توبه می‌کند، در حضور فرشته خدا شادی وجود دارد.

به کلمه «کسی که توبه می‌کند» توجه کنید. چرا با گناهکاران و باجگیران غذا می‌خورید؟ اوه، عیسی می‌گوید شاید افرادی که آنها به عنوان گناهکار به آنها نگاه می‌کنند، قبلاً توبه کرده‌اند. شاید قبلاً افرادی در پادشاهی خدا بوده‌اند.

آنها ممکن است پادشاهی خدا را به خاطر آنچه پادشاهی به ارمغان می‌آورد پذیرفته باشند، اما هنوز تصاویر قدیمی را بر آنها تصویر می‌کنند. فقط به این دلیل که دلیلی برای شادی در برابر فرشتگان وجود دارد. چرا شام می‌خورید؟ ما جشن می‌گیریم زیرا گمشده پیدا شده است.

وای، عیسی می‌داند چطور در مورد چنین مسائلی نظر فریسیان را جلب کند. استفاده از یک زن به عنوان شخصیت اصلی باید موضوع بحث باشد. اشاره به تصاحب و جستجوی تصاحب بسیار جالب است.

چیزی را نشان دهید که برای جایگاه زن در خانه مهم است - چنین تلاش واقعی و درک ارزش آنچه از دست رفته است، ضروری است. عیسی گفت که همه چیز برای شادی و جشن گرفتن وجود دارد.

به همین دلیل است که شما او یا من را در حال نگاه کردن به جای عیسی در کنار باجگیران و گناهکاران می بینید، و سپس عیسی در ادامه مَثَلی را بیان می کند که بسیار بسیار محبوب است. برخی از شما آن را به عنوان مَثَل پسر گمشده می شناسید. قبل از اینکه ادامه دهم، اجازه دهید سعی کنم شما را در اینجا متقاعد کنم.

همچنان که این تمثیل را می خوانیم، لطفاً این را درک کنید. بدانید که لحن و رفتار پدری ناامید را که فکر می کند پسری ولخرج دارد، نخواهید دید. گفتن اینکه او پسری ولخرج است، به معنای زدن برچسب ولگرد و ولگردی است که قرار است به همین عنوان شناخته شود.

این، کاری را که عیسی اینجا انجام می دهد، بی اثر می کند. عیسی می گوید که کاتبان و فریسیان باید دلیل این جشن را بدانند. پسری واقعی و اصیل که پدری او را دوست دارد، از دست رفته است.

پدر واقعاً می خواهد جشن بگیرد چون پسرش پیدا خواهد شد. او یک پسر گمشده است. او یک پسر ولخرج نیست.

اما چه نام هایی به این تمثیل ها داده شده است؟ می بینید، همانطور که به شما گفتم، برخی او را پسر گمشده نامیده اند. من از افرادی که از این نام استفاده می کنند متنفرم، اما این را دوست ندارم. او یک پسر گمشده نیست.

برخی او را تمثیل منتظر، پدر منتظر نامیده اند، که تصویر پدری را که پیوسته در انتظار بازگشت پسرش است، به تصویر می کشد. برخی آن را تمثیل پدر دلسوز و دو پسرش، دو پسر گمشده، نامیده اند. این تمثیل همانطور که در این بحث به شما نشان خواهم داد، تصویر پدر و شخصیت و تصویر دو پسر را در این تمثیل نیز به تصویر می کشد.

برخی به زبانی اشاره کرده اند که در متن، یعنی عشق، به کار نرفته است، بلکه تصویر پدری است که پسرش را از دست داده و آن را تمثیل عشق پدری نامیده اند. بیا بیاید به متن برگردیم و شروع به خواندن کنیم - لوقا ۱۵ از آیه ۱۱.

و او گفت مردی بود که دو پسر داشت و پسر کوچکتر به پدرش گفت: پدر، سهمی از اموالی که به من می رسد را به من بده. و پدرش اموالش را بین آنها تقسیم کرد. چند روز نگذشت که پسر کوچکتر هر چه داشت برداشت و به سرزمینی دوردست سفر کرد و در آنجا اموالش را در عیاشی های بی ملاحظه بر باد داد.

و چون همه را خرج کرده بود، قحطی سختی در آن دیار پدید آمد و او سخت نیازمند شد. پس رفت و خود را به یکی از اهالی آن دیار سپرد تا خوک ها را چراند. او آرزو داشت با گوشت خوک ها سیر شود، اما هیچ کس به او چیزی برای خوردن نمی داد.

و او رفت و غلامان خود را اجیر کرد. وقتی به خود آمد، پرسید که چند نفر از غلامان پدرم نان کافی دارند. اما من اینجا از گرسنگی هلاک می شوم. برمی خیزم و نزد پدرم می روم.

به او خواهم گفت: ای پدر، من در حق آسمان و در حق تو گناه کرده‌ام. دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من چون یکی از مزدوران خود رفتار کن.

و برخاست و نزد پدرش آمد. اما هنوز دور بود که پدرش او را دید و دلش به حالش سوخت. دوید، او را در آغوش گرفت و بوسید. و پسر به او گفت: ای پدر، من به آسمان و به حضور تو گناه کرده‌ام.

دیگر لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. اما پدر به خدمتکارانش گفت: «زود باشید بهترین ردا را بیاورید و به او بپوشانید و انگشتری بر دست و کفش بر پاهایش کنید و گوساله پدر را بیاورید و سر ببرید. تا بخوریم و جشن بگیریم.» آیه ۲۴، زیرا این پسر مرده بود و دوباره زنده شده است.

او گم شده بود و پیدا شد. و آنها شروع به جشن و سرور کردند. آیه ۲۵، اکنون پسر بزرگترش در مزرعه بود.

و چون آمد و به خانه نزدیک شد، صدای موسیقی و رقص شنید. پس یکی از خدمتکاران را صدا زد و پرسید: «این چیزها چیست؟» «به او گفت: برادرت آمده است. و پدرت گوساله پرواری کشته است.»

چون او، ببخشید، او را صحیح و سالم برگردانده است. اما او عصبانی بود و از ورود به داخل خودداری کرد. پدرش بیرون آمد و به او التماس کرد.

اما او به پدرش گفت: «ببین، من سال‌هاست که به تو خدمت کرده‌ام. من هرگز از فرمان تو سرپیچی نکرده‌ام. با این حال، تو حتی یک بزغاله هم به من ندادی تا با دوستانم جشن بگیرم.»

اما وقتی این پسرت که اموال تو را با فاحشه‌ها خورده است، آمد، برایش گوساله‌ای پرواری کشتی. و او به او گفت: «پسر، تو همیشه با من هستی. و هر چه از آن من است، از آن توست.»

شایسته بود که جشن بگیریم و شادی کنیم. به همین دلیل، برادرت مرده بود و زنده شد. او گم شده بود و پیدا شد.

وقتی وارد این مَثَل می‌شویم، این یک مَثَل تأثیرگذار است، و من عاشق این مَثَل هستم. می‌بینید، باید چند نکته کلیدی در اینجا مطرح شود. این طولانی‌ترین مَثَل عیسی است که در عهد جدید داریم.

این تمثیل دو مرحله دارد. بخش اول مربوط به حادثه پسر کوچکتر و بخش دوم مربوط به حادثه پسر بزرگتر است. سپس، در این تمثیل شاهد نقض تعهد فرهنگی برای مراقبت از والدین هستیم.

طبق رسوم باستانی یهودیان، فرزندان وظیفه دارند در دوران پیری از والدین خود مراقبت کنند. و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، فرزندان، پس‌انداز بازنشستگی والدین خود بودند. بسیار مهم است که فرزندان با مراقبت خوب از والدین خود و برگزاری مراسم تدفین شایسته و آبرومندانه، به آنها احترام بگذارند.

این بسیار ننگین و شرم‌آور است که یک کودک سعی کند فرزندان، یعنی والدین، را با این نیت که دیگر برنگردند، ترک کند، صرف نظر از اینکه چه اتفاقی برای آنها می‌افتد. فریسیان باید با شنیدن این داستان از زبان عیسی، این رفتار را محکوم کنند. این پسر کوچکتر یک اصل فرهنگی مهم را نقض کرده بود.

شاید نگرش کلی این پسر به عنوان یک پسر ولخرج تند باشد. اما می‌بینید، من می‌فهمم که چرا مردم می‌خواهند این کار را انجام دهند. نکته اصلی عیسی همین است.

هیچ‌کس نباید رفتار این مرد را دوست داشته باشد، اما او دوست ندارد که شما او را پسری ولخرج بنامید، زیرا نکته‌ی این مثل این نیست. به نکته‌ای در اینجا توجه کنید و آن این است که او به عنوان یک پسر یهودی، آنقدر نیاز داشت و آنقدر گرسنه بود که خود را از یک غیریهودی که اتفاقاً خوک داشت و می‌خواست از غذایی که به خوک‌ها داده می‌شد، سیر شود، پنهان کرد. او نمی‌توانست خیلی پایین‌تر از این برود.

این مشاهدات باید در بررسی جنبه‌های مختلف این تمثیل در نظر گرفته شوند. ابتدا، نگاهی به تمثیل پسر گمشده در اینجا می‌اندازیم. توجه داشته باشید که پسری که ما به او نگاه می‌کنیم، سهم خود را از دارایی درخواست می‌کند.

او چه سهمی داشت؟ او فقط بخشی از ارث را پس از مرگ والدینش دریافت می‌کند. او آن اموال را به دست نیاورده بود. اما می‌بینید، مطالبه ارث در حالی که والدین زنده هستند، به خودی خود بی‌احترامی به والدین است.

او به هر حال دوباره درخواستش را مطرح کرد. اما توجه کنید که پدر چه واکنشی نشان می‌داد. پدر می‌گفت، مشکلی نیست، تو این را بخواه، من به تو می‌دهم.

نکته‌ی دیگری که باید در این متن به آن توجه کنید و بسیار جالب است، احتمال این است که این پسر یهودی برود و خود را به یک غیریهودی اجاره دهد. با وجود اینکه او، همانطور که به ما گفته شده، رفته است، تمام دارایی‌هایش را برداشته و رفته است، که نشان می‌دهد قصد بازگشت ندارد. می‌بینید، مانند اکثر جوانان امروزی، وقتی علیه والدین خود شورش می‌کنند، فکر می‌کنند که علف‌های هرز در طرف دیگر سبزتر است و به هر حال به دنبال آن می‌روند.

با روحیه‌ای سرکش، آنها بالا می‌روند و هر کاری که می‌خواهند انجام می‌دهند. اما می‌بینید، شرایط اینجا خیلی بد است، خیلی خیلی بد. بگذارید برایتان توضیح دهم که این مرد چگونه خانه را ترک کرد و چند نکته از این تمثیل را برداشت کنم.

پسر کوچک‌تر خانه را ترک می‌کند. می‌بینید، او خانه را با این نیت ترک کرد که دیگر برنگردد، آیه ۱۳. او تمام وسایلیش را جمع کرد و رفت.

او چیزی از خود به جا نگذاشت. دوم، او در آیه ۱۵ رفت، او دارایی‌هایش را در عیاشی و هرزگی هدر داد. در آیه ۳۰، برادر بزرگ‌ترش به پدرش گفت، این پسر تو در واقع تمام دارایی و دارایی‌هایی را که به او داده بودی، صرف فاحشه‌ها کرد.

دوست دارم در یک محیط کلاس درس بگویم، معادل این است که بگویم این مرد به لاس وگاس رفته و تمام پول آنجا را با فاحشه‌ها خرج کرده است. می‌بینید، یکی از چیزهایی که باید به آن توجه کنید، ترک خانه او را، آنقدر پست کرد که با یک غیریهودی کار کرد و میل به تغذیه از خوک داشت. و به عنوان یک پسر یهودی، همانطور که روی صفحه نمایش نشان دادید، من برای شما لایوان، اشعیا و همه اینها را دارم.

یهودیان نباید به خوک‌ها دست بزنند. آنها باید نجس شوند. اما از روی نیاز، او خود را برای این کار می‌فرستد.

و تصور کنید که یک فریسی و یک کاتب به این شرط در مورد یک پسر گوش می‌دهند. واضح است که حکم همین است. او به خاطر بی‌احترامی به پدرش، در برابر خدا گناه می‌کرد.

و احکام واضح هستند. گناهان او علیه پدرش و علیه خدا در رفتارش کاملاً واضح است. اگر شما یک فریسی یا کاتب باشید و به این مثل عیسی گوش دهید، خواهید گفت، بله، من همیشه فکر می‌کردم که این همان چیزی است که باجگیران و گناهکاران هستند.

آنها زیاده‌روی کرده‌اند. بنابراین، این سوال هنوز باقی است: چرا عیسی باید با باجگیران و گناهکاران شام می‌خورد؟ او، عیسی می‌خواست کاتبان و فریسیان بدانند که پسر برگشته و به خانه برگشته است. پسر برگشت.

پسر گمشده به خانه باز خواهد گشت. می‌بینید، به ما گفته شده است که در آیه ۱۷، او منابع پدرش را مورد بررسی مجدد قرار داد و گفت، اگر با خدمتکاران خانه پدرم بهتر رفتار شود، آنها نان برای خوردن دارند. و من اینجا هستم و چیزی برای خوردن ندارم.

و هیچ‌کس چیزی برای خوردن به من نخواهد داد. می‌بینید، سفر به خانه با این میل شدید به بازگشت آغاز خواهد شد. در آیه ۱۸، او با خود گفت، برمی‌گردم و به پدرم خواهم گفت که خرابکاری کرده‌ام.

به پدرم خواهم گفت که هر کاری را که قرار بود انجام ندهم، انجام داده‌ام. من هدف را گم کرده‌ام. آیه ۱۸، باید بدانید که میل او برای به هوش آمدن را می‌توان بر اساس توبه ریشه‌ای تفسیر و درک کرد.

او در آیه ۱۸ مسئولیت خود را پذیرفت، وقتی گفت: «به پدرم خواهم گفت، من به پدرم گناه کرده‌ام، و من به خدا گناه کرده‌ام.» فقط به همین جمله توجه کنید، از آیه ۱۷ تا آیه ۱۸، تا آیه ۱۹، این پسر چیزی را تصدیق می‌کند. رفتار متکبرانه او باعث می‌شود که در حالی که والدینش زنده هستند، سهم خود را از دارایی درخاست کند.

رفتار متکبرانه او، که باعث شد باور کند می‌تواند به سرزمینی بیگانه برود و موفق شود و حتی ممکن است به خانه برنگردد، او را خرد کرد. اما می‌بینید، پسر توبه‌کار به خود آمده و وقتی در آیه ۱۹ می‌گوید، حالتی فروتنانه به خود می‌گیرد: «من در خانه از پدرم خواهم پرسید، زیرا می‌دانم که حق ندارم پسر خطاب شوم از او خواهم پرسید که آیا می‌توانم خدمتکار باشم، زیرا در خانه پدرم، با خدمتکاران بهتر از من رفتار می‌شود.»

می‌بینید، این پسر قرار است برگردد چون متوجه شده که زمان با پدرش جای بهتری برای بودن است. و ضمناً، همانطور که از کنار همه این‌ها می‌گذریم، آیا می‌توانید تصویر یک پدر را در داستان به تصویر بکشید؟ تصویر پدری که حاضر است به فرزندانش آنچه را که می‌خواهند بدهد و به آنها اجازه دهد با عواقب آن روبرو شوند. و با این حال، تصویر پدری که آن قلب بزرگ را دارد و در حالی که پسر به دنبال بازگشت اوست، در حال مبارزه است.

می‌بینید، او پیش پدرش برگشت، برای همیشه تغییر کرد، چون متوجه شد که حق برای داشتن جایی در آن خانه ندارد. اما نکته‌ی دیگری در مورد این تمثیل به شما می‌گویم که نباید از دست بدهید. و آن شیوه‌ی تجلیل پدر است.

به آیه ۲۰ توجه کنید. به ما گفته شده است که در حالی که او خیلی دور بود، به عبارت دیگر، پدر منتظر او بود، و او در مکانی می‌ایستاد و به دوردست خیره می‌شد. در حالی که به دوردست خیره شده بود، سایه کسی را دید که شبیه پسری بود که با تمام دارایی‌اش رفته بود.

با این تفاوت که این بار، کسی را دید که شبیه پسر بود، منهای مالکیت، شاید بدبخت و برهنه به نظر می‌رسید، شاید به کسی نگاه می‌کرد که حتی کفشی به پا نداشت. پاسخ پدر خشم نبود. در آیه ۲۰ به ما گفته شده است که او دلسوز بود.

و او کاری را کرد که یک پدر یهودی نباید انجام دهد. فریسیان و کاتبان از عیسی داستانی ساختند. او قبل از اینکه بتواند کلمه‌ای از پسر بشنود، یا احساس پشیمانی از پسر بشنود، به سمت پسری که این کار را با او کرده بود دوید.

او به استقبال پسر دوید. او پسر را در آغوش گرفت و بوسید تا عمیق‌ترین عشق و علاقه‌اش را به پسرش نشان دهد. می‌دانید، پدر متوجه می‌شد که پسر جایگاه و احترامش را از دست داده است.

او به خاطر انتخاب‌هایی که کرده، شرمنده شده است. اما می‌بینید، وقتی او را به خانه آورد، به خدمتکاران دستور داد که او را بپوشانند، آبرویش را به او بازگردانند، به او کفش بدهند، به او عزت و احترام بدهند و به او انگشتی بدهند تا دوباره به جایگاهش بازگردد. پدر از دیدن پسری که گم شده بود و برگشته بود تا به او یک کفش بدهد، خوشحال شد.

چه نشانه‌ای از یک مرد آزاد. پسر می‌خواست برده باشد. دوستان، قبل از اینکه از کاری که عیسی در اینجا انجام می‌دهد غافل شویم، اجازه دهید یادآوری کنم که هدف او برقراری ارتباط با کاتبان و فریسیانی است که نگران این سوال هستند.

چرا با خراجگیران و گناهکاران شام می‌خورید؟ تا به آنها بگویید کسانی که شما خراجگیران و گناهکاران می‌نامید، ممکن است از قبل شهروند پادشاهی خدا بوده‌اند. آنها ممکن است شیوه زندگی خود را تغییر داده باشند و اینقدر شایسته باشند. و این دلیلی برای جشن گرفتن است.

دلیلی برای جشن گرفتن وجود دارد. دلیلی برای ضیافت وجود دارد. کاملاً منطقی است که ما باید غذا بخوریم و جشن بگیریم، زیرا این افرادی که می‌بینید، که شما آنها را باجگیر و گناهکار می‌نامید، دوباره اینجا هستند.

اما می‌بینید که پدر اینجا چه می‌کند. می‌دانید، من دوست دارم سوال بپرسم. وقتی به برخی از این موضوعات حساس می‌رسیم، ممکن است مردم از خود بپرسند که چرا باید واکنش نشان دهیم. چگونه باید واکنش نشان دهیم؟ چگونه باید با این موضوع و همه چیزهای دیگر برخورد کنیم؟ توجه کنید که در این تمثیل، اگر این سوال را می‌پرسید، چرا تأکید مکرر بر جشن گرفتن وجود دارد؟ به سرعت متوجه خواهید شد که زمان صرف غذا زمان و عملکرد اجتماعی خوبی برای جشن گرفتن است.

اگر در این مَثَل، به خصوص مَثَل آخر دو پسر، می‌پرسید که چه کسی نماینده‌ی خراجگیران و گناهکاران است؟ به شما می‌گویم که برادر بزرگتر کسی است که چند دقیقه‌ی دیگر به آن خواهیم پرداخت. چرا بی‌احترامی به پدر مسئله‌ی بزرگی است؟ زیرا یک یهودی نباید این را تحمل کند. حتی یک فریسی، معافیتی که ممکن است داشته باشد این است که بتواند با آن بدن برخورد کند، فقط زمانی که با بستگان خودش، به ویژه والدین خودش که فوت کرده‌اند، سر و کار دارد.

اما در این مَثَل، چه کسی نماینده‌ی پدر است؟ مشکل برادر بزرگتر چیست؟ ضمناً، پس چرا اصلاً عیسی با خراجگیران و گناهکاران مهمانی می‌گرفت؟ بگذارید چند نکته‌ی اصلی را برایتان بگویم. توجه کنید که الگوی این مَثَل با یک پایان اوج‌گیرنده به پایان می‌رسد. این پسر گم شده بود و دوباره پیدا شد.

این پسر من مرده بود و زنده شده است. بیا بید جشن بگیریم. دوم، به یک موضوع مهم در این مثل توجه کنید.

نگرش پدر در مقابل نگرش پسر بزرگتر. می بینید، پدر مایل و مشتاق است که بازگشت پسر گمشده را جشن بگیرد. پسر بزرگتر مشتاق نیست.

او کاملاً ناراحت است. می بینید، ما در این تمثیل شاهد نگرش کاتبان و فریسیان هستیم و اینکه چگونه خدا مایل است این افراد، افرادی که همراه شده‌اند، دوباره به جمع ما بازگردند. اما اشتیاق پدر برای بازگرداندن پسر خطاکار با عشق و تجلیل مهربانانه، برای فریسیان و کاتبان مهم است که بدانند

چرا باید با باجگیران و گناهکاران شام بخورید؟ به چیزی که در این مثلی که عیسی می گوید، اتفاق می افتد توجه کنید. اگر برادر بزرگتر دعوت را بپذیرد و بیاید و به او بپیوندد، در واقع برادری را که گم شده بود و اکنون بازگشته بود، به دست می آورد. اما آیا او چنین خواهد کرد؟ در این مثل که صامت است، لوقا ما را در حالت تعلیق قرار می دهد که آیا برادر بزرگتر به دعوت برای آمدن توجه خواهد کرد یا خیر.

انگار که بگویند، بگذارید فریسیان و کاتبان خودشان بفهمند. آیا قرار است به باجگیران و گناهکاران بپیوندند؟ یا همچنان بر درستکاری خود پافشاری خواهند کرد؟ پس عیسی دلیل خوبی داشت که با باجگیران و گناهکاران شام بخورد و جشن بگیرد، زیرا آنها گم و پیدا می شوند.

از برادران اسکلتی دعوت می شود تا در این مراسم شرکت کنند. موضوع این جشن آنقدر مهم است که نباید آن را از دست بدهیم. اما قبل از اینکه کل ایده‌ی عیسی را از دست بدهیم، عیسی تصویر واضحی از آنچه کاتبان و فریسیان باید درک کنند، ارائه داده است.

این باجگیران و گناهکاران. اما قبل از اینکه این جلسه را تمام کنم، به برادر بزرگتر نگاه کنید. و اجازه دهید با جلب توجه شما به این برادر بزرگتر، این جلسه را به پایان برسانم.

می بینید، ادعاهای او درست بود، همانطور که فریسیان ممکن است ادعا کنند. او شورش نکرد، اما به پدرش وفادار ماند. در واقع، هر بخش از املاک خانه متعلق به اوست زیرا سهم برادر رفته بود.

اما توجه کنید که امتناع او از رفتن به مهمانی از نظر فرهنگی، مایه شرمساری پدر است، پدری که برای پسری که به خانه برگشته مهمانی بزرگی ترتیب داده است، و برادر بزرگترش که جانشین او شده، حتی جرات آمدن به مهمانی را هم ندارد. اما به نکته دیگری در این تمثیل توجه کنید. من هر بار که این موضوع را در کلاس مطرح می کنم، واکنش دانش آموزان را می بینم.

می بینید، برادر بزرگتر نتوانست خودش را راضی کند که برادر کوچکترش را صدا بزند. وقتی برگشت، در آیه در صحبت با پدرش، به پدرش گفت، این پسر توست، او نمی توانست بگوید برادر من، این پسر، ۳۰ توست، او تمام دارایی تو را گرفت. سپس او در آیه ۳۰ به اغراق در مورد شرایط ادامه می دهد.

او گفت این پسر پول تو را با فاحشه‌ها خرج کرده است. بیا بید بر گناهیانی که او مرتکب شده است تأکید کنیم. او، اما عیسی در مورد اینکه چگونه پدر از بازگشت پسر گمشده بسیار خوشحال است صحبت می کند.

بنابراین، سوال این است: اگر کاتبان و فریسیان این سوال را مطرح کرده‌اند، چرا شما با خراجگیران و گناهکاران شام می خورید؟ سوال در سکوت، که پاسخی از کاتبان و فریسیان می خواهد، این است: آیا برادر

بزرگتر به مهمانی خواهد پیوست؟ آیا فریسیان و کاتبان در آن رویداد اجتماعی با خراجگیران و گناهکاران به عیسی خواهند پیوست؟ نمی‌دانم خودتان با دنبال کردن این سخنرانی‌ها چقدر پیش رفته‌اید. نمی‌دانم فکر می‌کنید چقدر در رابطه‌تان با خدا سرکش بوده‌اید. ممکن است بشنوید که افرادی می‌گویند دلیلی وجود ندارد که خدا شما را دوباره بپذیرد.

شما خیلی زیاد کار کرده‌اید. ممکن است از افرادی بشنوید که به شما بگویند، شما لیاقت تعلق به پادشاهی خدا را ندارید، زیرا همان کارهایی که انجام داده‌اید، همان کارهایی است که قوانین خدا هر کسی را که به عیسی ایمان دارد، از انجام آنها منع می‌کند. اما من اینجا هستم تا به شما بگویم که عیسی در چهار مورد در فصل ۱۵ انجیل لوقا، به تعبیری، گفت: گمشده پیدا شده است؛ بیایید جشن بگیریم.

گمشده پیدا شد؛ بیایید جشن بگیریم. با حسن نیت، بیایید بازگشت گمشده را جشن بگیریم. و اگر شما کسی هستید که گم شده‌اید، کسی که فکر می‌کند آرایه‌ها شما را قضاوت می‌کند، و شما در کنار خدا ایستاده‌اید و از این قبیل، من اینجا هستم تا به شما بگویم که مهم نیست چقدر پیش رفته‌اید، حتی تا جایی که یک پسر یهودی به خوک‌ها غذا می‌دهد، پدر آماده است تا دعوت شما را برای بازگشت بپذیرد.

این در پایان من را به یاد یکی از آن سرودهای مذهبی قدیمی می‌اندازد که خیلی دوست دارم، سرودی که به آرامی و با لطافت می‌گوید، عیسی مسیح صدا می‌زند. او تو و من را می‌خواند. به خانه بیا.

به خانه برگرد. ای کسانی که خسته‌اید، به خانه برگردید. عیسی صادقانه و با مهربانی التماس می‌کند.

او از تو و من التماس می‌کند که به خانه برگردیم. مثل پسر گمشده، قلب پدر و ماهیت فراگیر پادشاهی خدا را آشکار می‌کند. کسانی که نشان گناهکاران را بر دوش دارند، اکنون می‌توانند جایی نزد عیسی پیدا کنند.

کسانی که نشان مالیات‌گیران را دارند، اکنون می‌توانند جایگاه خود را نزد عیسی بیابند، و شما نیز می‌توانید. آیا می‌توانم از شما دعوت شخصی کنم؟ اگر عیسی مسیح را به عنوان خداوند و ناجی شخصی خود نپذیرفته‌اید، می‌خواهم به شما یادآوری کنم که او مشتاق بازگشت شماست.

در حالی که هنوز خیلی دور هستید، خداوند به شما نگاه می‌کند و مشتاقانه منتظر روزی است که پا به خانه بگذارید. مکانی برای نجات. مکانی برای آرامش.

مکانی برای رهایی. مکانی که خدا در آن سلطنت می‌کند. جایی که خدا خدمت کرده است، جایی که خدا در آغوش گرفته است، و جایی که خود عیسی این واقعیت را جشن می‌گیرد که شما، که ممکن است خود را بی‌ارزش بدانید، در خانه خدا جایگاه والایی پیدا می‌کنید.

باشد که خداوند شما را در دنبال کردن این مجموعه سخنرانی‌ها بسیار برکت دهد. و امیدوارم که قلب‌هایتان را باز کنید، زیرا من دائماً دعا می‌کنم و از خدا می‌خواهم که برخی از چیزهایی را که پردازش می‌کنم. و با شما به اشتراک می‌گذارم، برای شما نیز مفید باشد. بخشی از مسیر من باشید.

که با هم، به من بپیوندید و در تلاش برای در آغوش گرفتن عشق خدا باشید. تا غنا و وسعت مردمی را که او به جمع خود دعوت می‌کند، در آغوش بگیرید. او می‌خواهد من و شما در خانه‌اش با او شام بخوریم.

تا با او جشن بگیریم. لطفاً معطل نکنید. آیا بله می‌گویید؟ خدا شما را حفظ کند.

باشد که خداوند به شما فیض عطا کند. باشد که خداوند هرگونه روحیه طرد شدن را در شما از بین ببرد. باشد که خداوند با شما ارتباط برقرار کند تا بتوانید درک کنید که چقدر عشق و چقدر به شما اهمیت می‌دهد.

خداوند با مهربانی دستانش را دراز کرده و منتظر شماست تا بیایید و او را در آغوش بگیرید. باشد که شما هم بیایید و در آغوش پرمهر خداوند قرار بگیرید. خیلی ممنونم و خداوند شما را حفظ کند.

این دکتر دنیل کی. دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۲۴، تمثیل‌های گمشدگان و جشن، لوقا ۱۵ است.